

سر مقاله

گوهر اتحاد (به مناسبت هفته وحدت)

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...»^۱

آن روز که خورشید نبوت در آسمان کعبه رخ نمود، کسی باور نداشت که این ناخوانده درس، برای بشریت خفته، درس‌ها دارد و گفتنی‌ها بسیار. محمد امین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیامبر گرامی اسلام با ره توشهٔ ایمان، عصمت و صداقت، طریق رهنمایی بشر را در پیش گرفت. با خرافه‌های جاهلیت عرب به کارزار برخاست و ندای توحید سر داد تا روح معنویت در دل تشنگان حقیقت دمید. با درایت خویش سگان رهبری امت اسلامی را در دست گرفت و شکاف از میان مسلمانان برداشت. مهاجر و انصار با هم برادر شدند و زنگار کینهٔ جاهلیت از دل زدودند. یاد مهربانی‌های آن ایام، بارقه‌های امید را بر دل‌های خسته از فتنه‌های زمانه می‌تاباند.

یاد ایامی که با هم آشنا بودیم ما هم‌خیال و هم‌صفیر و هم‌نوا بودیم ما
مسئنی یک بیت بودیم از طریق اتحاد چون دو مصرع، گر چه در ظاهر جدا بودیم ما
بود دایم چون زبان خامه حرف ما یکی گر چه پیش چشم ظاهر بین جدا بودیم ما

دوری منزل حجاب اتحاد ما نبود داشتیم از هم خبر در هر کجا بودیم ما
 چاره جویان را نمی‌دادیم صائب درد سر دردهای کهنه هم را دوا بودیم ما^۱
 اما این پایان ماجرا نبود. پس از پنهان شدن آن آفتاب عالم تاب، زمزمه‌های ناسازگاری و
 اختلاف در میان امت اسلامی پدیدار شد. هر کس ساز خود نواخت و هر گروهی به آن چه خود داشت
 دل خوش کرد.^۲ غفلت از آموزه‌های پیامبر و دوری از اهداف ایشان و در نتیجه از
 کف دادن اتحاد و یکپارچگی، زخمی بر پیکر جهان اسلام فرو نشاند که هنوز هم روی بهبودی
 به خود ندیده است. غافل از این که پیامبر گرامی اسلام ﷺ به یکپارچگی این امت، دل بسته
 بود و مؤمنین را برادر هم می‌دانست. در حکومت ایشان نه از قومیت خبری بود و نه از
 دو رنگی و تاریکی، اما در میان دل‌سوختگان امت پیامبر ﷺ و رهروان این طریقت، همواره
 کسانی بودند که صدای همدلی و همرنگی سر می‌دادند و گوش‌های شنوایی را با خود همراه
 می‌کردند.

ما دو برادر را بر هم زدند	آتشی از فتنه به عالم زدند
ای کاش ای کاش اگر اسلامیان	رسم دویی را ببرند از میان
ای همگی پیرو دین قومیم	ای پسران پدران قدیم
سنی و شیعه ز که و کیستند؟	در پی آزار هم از چیستند؟
دین یک و مقصد یک و مقصود یک	ره یک و معبد یک و معبود یک
عیسویان کاین علم افراختند	متحدانه به جهان تاختند
ما ز چه فرع هیا هو کنیم؟	قاعده اصل ز پا افکسیم
چاره ما نیست به جز اتحاد	این ره رشد است فنیع المرشاد ^۳

وقت آن است که از اختلاف و دشمنی با یکدیگر دست برداشته و به دردهای مشترک جهان
 اسلام بیندیشیدیم.

بر اساس آموزه‌های اسلامی، کرامت و شخصیت هر فرد مسلمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

۱- صائب تبریزی، دیوان اشعار، شماره ۲۶۵.
 ۲- «وَإِنْ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ فَتَقَطُّوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فِ رِحْلَتِ
 ۳- ملک الشعراء بهار، دیوان اشعار، اندرز به شاه. (مؤمنون: ۵۳).

است از این رو، اهانت و افترا به مسلمانان و حتی غیر مسلمانان از سایر ادیان الهی ممنوع بوده^۱ و برای آن به حسب مورد، مجازات حد یا تعزیر مقرر گردیده^۲ است.

حضرت علی علیه السلام در زمان جنگ با معاویه یاران خود را از اهانت و نفرین یاران معاویه نهی نمود.^۳ طبق روایتی امام صادق علیه السلام یکی از یاران خود را که در مسجد به دشمنان امام علیه السلام اهانت می کرد، از این کار نهی فرموده، او را به شدت سرزنش کرد.^۴

باید باور داشته باشیم که بسیاری از اختلاف‌ها ناشی از عدم درک صحیح اهداف پیامبر صلی الله علیه و آله است که ما را امت واحده می‌دانست و تنوع رنگ و نژاد را بر نمی‌تابید.

شد چو عالم‌گیر غفلت، جاهل و دانا یکی است خانه چون تاریک شد، بینا و نابینا یکی است
ز اختلاف ظرف، گوناگون نماید رنگ می ورنه در میخانه وحدت، می حمرا یکی است
اختلاف رنگ، گل را بر نیارد ز اتحاد با دو رنگی پیش یکرنگان گل رعنا یکی است
شق کند از تیغ صائب، گر سر ما چون قلم سر نمی‌پیچیم از توحید حرف ما یکی است^۵
بنا بر این، بر تمام مسلمانان فرض است تا با یکدلی و اتحاد، بار دیگر عظمت عصر طلایی جهان اسلام را به رخ دشمنان دیرینه امت واحده اسلام بکشند و با پرهیز از دو رنگی و اختلاف، چراغ یکدلی را در این تاریکخانه بیفروزند.

چند گوییم این یکی بر حق و آن یک بر خطاست؟

در میان ما دو ملت این خطاکاری چراست؟

- ۱- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام (چاپ چهارم): تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۹، ص ۳۶۵.
- ۲- سید احمد خوانساری، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع (چاپ دوم): تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۵۵، ج ۷، ص ۱۱۵: «وصحیح عبد الرحمن بن ابي عبد الله عن رجل سب رجلا بغير قذف يعرض به، هل يجلد؟ قال: عليه تعزير و رواية إسماعيل بن الفضل قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الافتراء على أهل الذمه وأهل الكتاب هل يجلد المسلم الحد في الافتراء عليهم؟ قال: لا ولكن يعزر.»
- ۳- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲۱، ص ۳۰۶: «نصر بن مزاحم في كتاب صفين: عن عمر بن سعد، عن عبد الرحمن، عن الحارث بن حصيرة، عن عبد الله بن شريك، قال: خرج حجر بن عدي وعمر بن الحمق يظهران البراءة واللعن من أهل الشام، فأرسل اليهما علي عليه السلام: "ان كفا عما يبلغني عنكما" فأتياه فقالا: يا أمير المؤمنين، السنا محقين؟ قال: "بلى" قالا: أو ليسوا بمطلين؟ قال: "بلى" قالا: فلم منعنا عن شتمتهم؟ قال: "كرهت لكم ان تكونوا لعانين شتامين.»
- ۴- شیخ مفید، الاعتقادات (چاپ دوم): دار المفید، ۱۴۱۴، ص ۱۰۷: «قيل للصادق عليه السلام يا ابن رسول الله، اننا نرى في المسجد رجلا يعلن بسب أعدائكم و يسميهم. فقال: ماله - لعنه الله - يعرض بنا و قال الله تعالى: و لا تسبوا الذين يدعون من دون الله فيسبوا الله عدوا بغير علم.»
- ۵- صائب تبریزی، دیوان اشعار، شماره ۳۹۳.

خوش بود تا اتحاد آریم و هم دستان شویم

تا بدین تدبیر عالی، مالک کیهان شویم^۱

در راستای تحقق بخشیدن به این اهداف و در ایام میلاد پیامبر گرامی اسلام حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی ﷺ و فرزند پاکش حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، دومین شماره از مجله اندیشه^۱ تقریب به رهپویان مردان خدا و طریقت حق - جلّ و علی - تقدیم می‌گردد. امید است خدای بزرگ این اندک را از ما بپذیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی